

یک سؤال مهم که تابلوهای میدان فردوسی از ما می پرسند

صادرات رکورد ۸ ساله را شکست، ارز آن برمی گردد؟



مهدی عبدالاهی
دبیر گروه اقتصاد

براساس اعلام رئیس گمرک ایران، در نیمه اول سال جاری حجم تجارت ایران به ۵۴ میلیارد و ۳۱۱ میلیون دلار رسیده است که از این رقم، ۲۵ میلیارد و ۹۴۴ میلیـون دلار مربوط به صادرات و ۲۸ میلیارد و ۳۶۷ میلیون دلار نیز مربوط به واردات کشور بوده است. آمارهای گمرک نشان می دهد در نیمسال اول، میزان وزنی کالا‌های صادراتی ۷۴ میلیون و ۹۹۷ هزار تن و میزان وزنی واردات ۱۸ میلیون و ۷۵۷ هزار تن بوده است. مقایسه اعداد صادرات غیرنفتی کشور با مدت مشابه سال‌های گذشته نشان می دهد رکورد وزنی صادرات در نیمه نخست امسال شکسته شده و ارزش صادرات نیز رشد جزئی داشته و بالاتر از سال‌های قبل است. همچنین کسری تجاری کشور بدون در نظر گرفتن صادرات نفت به ۲٫۴ میلیارد دلار رسیده که از رقم ۶ و میلیارد دلاری مدت مشابه سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۲ کمتر است. این اعداد و ارقام نشان می دهد دست بازارساز باید در کنترل و مدیریت بازار ارز بازتر از سال گذشته باشد و به طور واضح بانک مرکزی باید بهتر بتواند نرخ‌های ارزی که این روزها شاهدش هستیم را مدیریت کند. به نظر می‌رسد چالش‌های مختلف ازجمله محدودیت‌های بین‌المللی در بازگشت ارز، انتظارات تورمی ناشی از ریسک‌های سیاسی این روزها و ماه‌های اخیر پیرامون مکانیسم ماشه و فضای تعلیق جنگ ۱۲ روزه در کنار چالش‌های فنی همچون عدم بازگشت ارز صادراتی کارت‌های بازرگانی یک بار مصرف و افزایش تقاضای ارزی در بازار، موضوعاتی هستند که بر روندهای بازار اثر منفی گذاشته‌اند.

تجارت ۵۴ میلیارد دلاری در ۶ ماهه با ۱۰۰ کشور

روز گذشته فرود عسگری، معاون وزیر اقتصاد و رئیس کل گمرک ایران آخرین داده‌های مربوط به تجارت خارجی ایران در نیمه اول سال جاری را اعلام کرد. براساس اعلام رئیس گمرک، در نیمه نخست امسال ۲۵ میلیارد و ۹۴۴ میلیون دلار انواع کالای غیرنفتی از کشورمان صادر و به میزان ۲۸ میلیارد و ۳۶۷ میلیون دلار وارد کشور شد. به گفته عسگری میزان وزنی کالا‌های صادراتی در ایـسن مدت ۷۴ میلیون و ۹۹۷ هزار تن و میزان وزنی واردات ۱۸ میلیون و ۷۵۷ هزار تن بوده است.

معاون وزیر اقتصاد و رئیس کل گمرک ایران با اشاره به آمار مقایسه‌ای تجارت خارجی ایران در ۶ ماهه اول سـسال جاری در مقایسه با مدت مشابه قبل، افزود: «در این مدت صادرات غیرنفتی کشورمان به لحاظ وزن ۶ درصد افزایش داشته و از نظر ارزش رشد آن کمتر از یک درصد بوده است. در بخش واردات هم از نظر وزنی ۲ درصدافزایش نشانـان می دهد و اما از حیث ارزش شاهد کاهش ۱۵ درصدی بوده‌ایم». عسگری در رابطه با ترکیب کشورهای طرف معامله در حوزه تجارت خارجی کشورمان تأکید کرد: «آمارها نشان می دهد که ما در نیمسال اول سال جاری با بیش از ۱۰۰ کشور جهان تبادلات تجاری داشته‌ایم.»

رکوردشکنی صادرات ایران در نیمهٔ نخست

مقایسه داده‌های اعلامی رئیس گمرک ایران با داده‌های نیمه نخست سال‌های

گذشته یک نکته قابل تامل را نشان می دهد. طی ۶ ماهه نخست امسال صادرات ایران به لحاظ وزنی و ارزش رکورد سـال‌های گذشته را شکسته است. براساس این داده‌ها، وزن اقلام صادراتی ایران در نیمه نخست به حدود ۷۵ میلیون تن رسیده که رتبه دومی با ۷۰ میلیون تن به طور مشترک در اختیار سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۳۹۸ است. پس از آن، رتبه سومی در اختیار سال ۱۴۰۲ با کمتر از ۶۸ میلیون تن بوده است. این داده‌ها نشان می دهد ارزش و وزن صادرات ۶ ماهه نخست امسال بالاترین مقدار از سـسال ۱۳۹۰ تاکنون بوده است. همچنین این اعداد حتی در دوره کوتاه برجام یعنی سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ نیز تکرار نشده است. بدون احتساب صادرات نفتی، کسری تجاری ایران در ۶ ماهه نخست امسال حدود ۲٫۴ میلیارد دلار بوده که نسبت به رقم ۶٫۸ میلیارد دلار مدت مشابه سال گذشته و ۶٫۳ میلیارد دلار ۶ ماهه نخست سال ۱۴۰۲ کاهش قابل توجهی داشته است. البته این موضوع مشخص نیست که طی نیمسال اول سال جاری چه مقدار طلا وارد کشور شده، موضوعی که در سال گذشته روی عدد کسری تجاری تأثیر قابل توجهی گذاشته بود. اهمیت کاهش کسری تجاری به این دلیل است که در صورت بازگشت قابل توجه ارزهای صادراتی، هرچه عدد کسری تجاری کمتر شـسود، وضعیت تأمین ارزی کشور بهتر شده و با کاهش تزریق ارزهای صادرات نفتی دولت، دست بازارساز در مدیریت بازار ارز بازتر خواهد شد و بازارساز می تواند نوسان‌های مقطعی را بهتر مدیریت کند.

معضل عدم بازگشت ۷ میلیارد یورو ارز صادراتی

روز گذشته علیرضا چنگ‌پزازه، معاون ارزی بانک مرکزی در نشست شورای گفت وگوی دولت و بخش خصوصی محدودیت‌های بین‌المللی و الزام بازگشت ارز صادراتی را از مهم‌ترین چالش‌ها عنوان کرد. معاون ارزی بانک مرکزی بیان می دارد: «برخی دوستان ما را متهم می کنند که سیاست‌های ارزی بر تجارت سـایه انداخته است. ما قائل به تفکیک وظایف هستیم و صرفاً در چهارچوب وظایف قانونی خود عمل می کنیم. درباره بازگشت ارز صادراتی نیز تحت فشار نهادهای فرادولتی هستیم که بازگشت باید ۱۰ درصدی باشد. با این حال، به دلیل برخی ملاحظات، این الزام را با تأخیر اجرا کردیم. متأسفانه برخی صادرکنندگان در بازگشت ارز کوتاهی می کنند و این باعث می شود توانیم تخصیص ارز مازاد بر بوجه انجام دهیم.»

لازم به ذکر است «فرهیختگان» اخیراً در گزارشی به موضوع عدم بازگشت ارز از سوی صادرات اولی‌هایی خبر داد که در سال گذشته عمده ارز صادراتی خود را برنگردانده‌اند. براساس این گزارش طی سال گذشته تعداد ۱۰۸۶ صادرکننده فاقد سـابقه صادرات مجموعاً ۷ میلیارد و ۴۶۰ میلیون یورو تعهد صادراتی داشته‌اند که ۷ میلیارد یورو از این تعهد را هنوز رفع نکرده‌اند. گفته می شود افراد «فاقد سابقه صادرات» یا همان «صادرات اولی‌ها» بعضاً با هدف خروج ارز از کشور و برنگرداندن این منابع به چرخه رسمی از کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای استفاده می کنند و درنهایت پس از خروج ارز و خودشان از کشور یا جعل مدارک، دیگر کسی به آن‌ها دسترسی نداشته و کسانی که باید پاسخگو باشند، صاحبان کارت‌های اجاره‌ای‌اند که معمولاً هیچ دارایی دیگری برای تسویه ارز صادراتی و حق و حقوق دولتی نیز ندارند.

پس از انتشار خبر سوء استفاده برخی از صادرکنندگان از کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای، محمدعلی دهقان‌دهنوی، رئیس سـازمان توسعه تجارت ایران در نامه‌ای به رئیس اتاق بازرگانی ایران با عنوان «اهلیت سـسنجی اتاق بازرگانی در خصوص بازرگانتان» اعلام کرد به دلیل سوءاستفاده از کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای و کاهش بازگشت ارز حاصل از صادرات، صادرات با کارت‌هایی که امکان رتبه‌بندی ندارند، از مهر ماه فقط با ضمانت‌نامه بانکی مجاز خواهد بود اما برای تسهیل کار صادرکنندگان واقعی و خوش سابقه، اگر اتاق بازرگانی شهرستان اهلیت آن‌ها را به صورت مکتوب تأیید کند (یعنی تضمین دهد که ارز حاصل از صادرات را بازمی گردانند)، آن‌ها می توانند تا سقف ۱۰۰ هزار دلار بدون نیاز به ضمانت‌نامه بانکی صادرات انجام دهند.

قابل ذکر است قبل از این ابلاغیه سازمان توسعه تجارت، براساس تبصره ۳ بند دوم این‌نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات، سـقف ارزشی واردات برای دریافت کنندگان کارت بازرگانی براساس رتبه‌بندی اعتباری سامانه یکپارچه اعتبارسنجی و رتبه‌بندی اعتباری تعیین می شد و در صورت عدم امکان رتبه‌بندی، این سقف در سال اول با لحاظ شاخص‌هایی نظیر گردش حساب بانکی شخص حقیقی یا حقوقی، مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره و سرمایه‌ثبـتی شخص حقوقی حداکثر ۵۰۰ هزار دلار بود.

رکوردشکنی صادرات با رشد اقتصادی منفی؟

خبر رکوردشکنی صادرات غیرنفتی به‌رغم رشد اقتصادی منفی در بهار امسال شاید یک تناقض به نظر برسد. به عبارتی این سوال مطرح می شود که اگر صادرات غیرنفتی رکورد زده، چرا رشد اقتصادی بهار امسال عدد منفی ۰٫۱ درصدی را به ثبت رسانده است.

برای پاسخ به این سوال شاید بهتر باشد دو موضوع را از هم تفکیک کنیم. مورد اول بررسی وضعیت هزینه مصرف نهایی خصوصی است. مورد دوم نیز، ترکیب اقلام صادراتی ایران و ترکیب بخش‌های اقتصادی در رشد اقتصادی برای قضاوت بهتر نیاز است بررسی شود. در خصوص مورد اول، در میان اجزای تشکیل دهنده تولید ناخالص داخلی، یکی از مؤلفه‌هایی که بیش از همه جلب توجه می کند، مصرف نهایی بخش خصوصی است. بررسی‌ها نشان می دهد مصرف نهایی بخش خصوصی، به‌عنوان مهم ترین مؤلفه سمت تقاضا، همچنان در رکود باقی مانده و نقش مؤثری در رشد تولید ناخالص داخلی نداشته است؛ رکودی که می تواند پیامدهای گسترده‌ای برای پایداری رشد اقتصادی کشور در سال جاری داشته باشد. داده‌های مرکز آمار ایران نشان می دهد در حالی که هزینه مصرف نهایی خصوصی در بهار ۱۴۰۳ حدود ۲٫۳ درصد مثبت بوده، این عدد در پایان سال ۱۴۰۳ به منفی ۰٫۱ درصد رسیده و در بهار امسال منفی ۱٫۱ درصد بوده است. در خصوص مورد دوم، بررسی‌ها نشان می دهد در بهار امسال رشته فعالیت‌های گروه کشاورزی رشد منفی ۲٫۷ درصد، گروه صنایع و معادن منفی ۰٫۳ درصد، بخش صنعت منفی ۱٫۷ درصد، بخش معدن ۲٫۳ درصد، بخش تأمین آب و برق منفی ۱۱٫۸ درصد و بخش ساختمان مثبت ۰٫۴ درصد و درنهایت گروه خدمات ۰٫۵ درصد نسبت به سـهم‌ماه اول سال ۱۴۰۳، رشد داشته است. کارشناسان اقتصادی دلایل متعددی را برای افت رشد اقتصادی در بهار ذکر

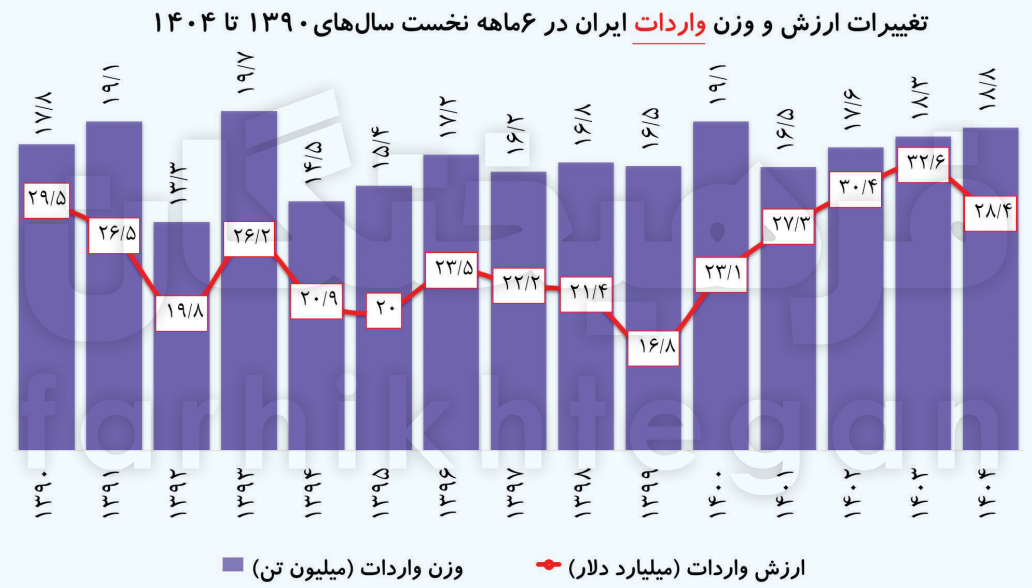
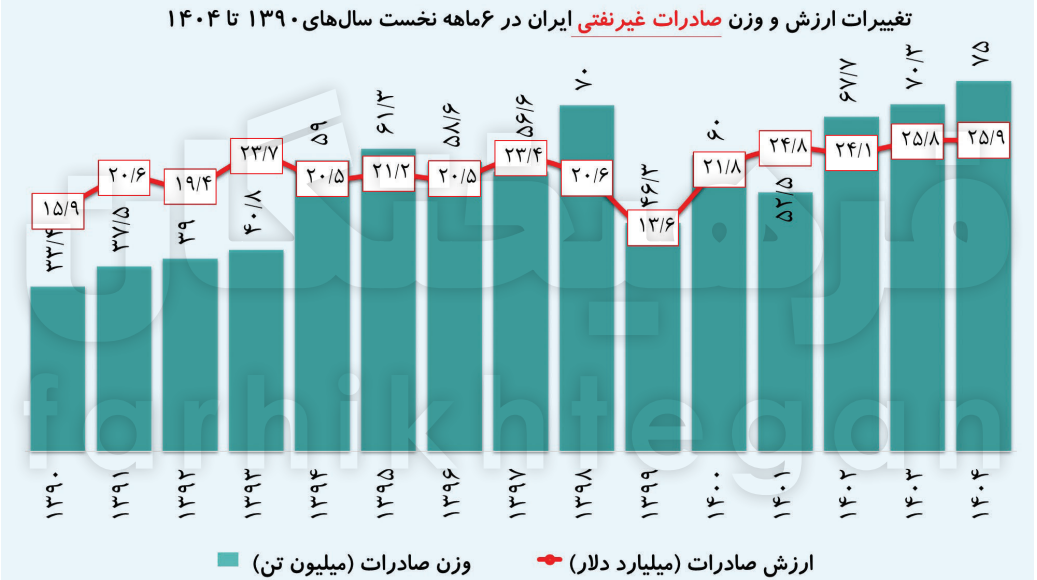
می کنند که این موضوعات شامل تداوم و تشدید ناترازی انرژی، افت رشد بخش نفتی، خشکسالی در بخش کشاورزی و ریسک‌های سیاسی و تحریمی است. بررسی آمارهای رشد اقتصادی نشان می دهد بخشی از کاهش نرخ رشد، ناشی از افت محسوس در بخش نفت است (رشد نفت در بهار سال گذشته ۳٫۳/۱۰ درصد بوده که به بهار امسال به زیر یک درصد (۰٫۸ درصد) رسیده است). اگرچه رشد این بخش همچنان مثبت باقی مانده، اما به‌وضوح از شتاب آن نسبت به دوره‌های قبل کاسته شده است. در واقع، رشد نفت دیگر نقش محرک اصلی را در اقتصاد ایفا نمی کند. با این حال، به نظر می‌رسد عامل مؤثر تر در منفی شدن رشد اقتصادی، عملکرد نامطلوب گروه صنایع و معادن باشد. در این گروه، هم بخش صنعت با رشد منفی مواجه بوده و هم بخش تأمین آب، برق و گاز با افت قابل توجهی روبه‌رو شده‌اند است. این افت‌ها، بازتابی از ناترازی‌های ساختاری در حوزه انرژی هستند؛ مسائلی مانند کسری در تولید و توزیع، قطعی‌های مکرر برق و گاز و عدم سـرمایه گذاری کافی، فشار مستقیم و قابل توجهی بر تولید صنعتی وارد کرده‌اند.

به گفته کارشناسان، در بخش خدمات، هرچند رشد همچنان مثبت است، اما نرخ آن چندان قابل توجه نیست. بخش کشاورزی نیز برخلاف برخی دوره‌های گذشته، امسال بارشند منفی روبه‌رو شده‌اند. علت اصلی این افت، خشکسالی گسترده در سال گذشته بوده که تأثیر آن در سال ۱۴۰۴ بر برداشت محصولات خود را نشان داده است. البته با توجه به سهم محدود کشاورزی در تولید ناخالص داخلی، نمی توان آن را عامل اصلی رکود دانست. در مجموع، به نظر می‌رسد دو عامل اصلی در کاهش رشد اقتصادی نقش دارند؛ نخست، ناترازی‌های مزمن در حوزه انرژی که مستقیماً بر بخش صنعت و تولید تأثیر گذاشته‌اند و دوم، توقف روند افزایشی صادرات نفت که در سال‌های ابتدایی دولت سیزدهم موتور محرک رشد اقتصادی بود، اما اکنون به سـقف خود رسیده و اثر آن در حال کمرنگ شدن است.

اما در خصوص ترکیب اقلام صادراتی نیز، داده‌های سازمان توسعه تجارت ایران نشان می دهد در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ از کل صادرات غیرنفتی ایران، سهم بخش پتروشیمی و پالیه نفتی ۴۸ درصد، معدن و صنایع معدنی ۲۸ درصد، بخش صنعت ۱۵ و بخش کشاورزی ۹ درصد بوده است.

بر این اساس، به نظر می‌رسد رشد صادرات ایران در نیمه نخست اولاً تابع افزایش صادرات در نتیجه رکود داخلی و همچنین افزایش نرخ ارز تجاری کشور و همچنین اثر پذیری کمتر بخش‌های پتروشیمی و پالیه نفتی و معدن و صنایع معدنی از ناترازی انرژی نسبت به بخش صنعت و کشاورزی بوده است. نکته حائز اهمیت دیگر این است که در ماه‌های اخیر رقم صادرات ایران وضعیت بهتری نسبت به بهار داشته است. همچنین در شهر یورو رقم ماهانه صادرات به بیش از ۵ میلیارد دلار رسیده که بالاترین ارزش صادرات ماهانه در نیمه نخست بوده و این عدد در ماه‌های تیر و مرداد نیز بالاتر از ماه‌های قبل از خود است.

همچنین، نتایج برآوردهای مرکز پژوهش‌های مجلس از برآوردهای ماهانه رشد اقتصادی نیز نشان می دهد تولید ناخالص داخلی در مردادماه سال ۱۴۰۴ رشد ۲٫۳ درصدی و بدون نفت رشد ۲٫۶ درصدی داشته است. این عدد در تیر ماه نیز هر دو مثبت بوده و به ترتیب ۰٫۴ و ۰٫۲ درصد بوده است.



آسیب شناسی سیاست صنعتی ایران و مدل پیشنهادی

مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری (بازوی پژوهشی سازمان برنامه و بودجه کشور) در گزارشی پژوهشی با عنوان «اقتصادسیاسی سیاست صنعتی در ایران: از شکست ساختارگرایی تا چهارچوب نوین تحول ساختاری» به بررسی الگوی بهینه برای سیاست صنعتی ایران پرداخته است. در مقدمه این گزارش آمده است در دهه اخیر، تولید جهانی شاهد تحولات ساختاری عمیقی بوده که مهم ترین عوامل شکل دهنده آن، دگرگونی در نظام‌های تولید ملی، تشدید وابستگی های متقابل بین المللی و پیشرفت های شتابان فناوریانه است. بحران مالی جهانی نیز به تسریع این روندها انجامیده و به بازتوزیع و قطبی شدن تولید در سطح جهانی منجر شده است. اقتصادهای پیشرفته با چالش هایی مانند صنعتی زدایی، عدم تعادل تجاری و کاهش پویایی تکنولوژیک مواجه هستند، در حالی که کشورهای با در آمد متوسط و در حال توسعه با رقابت فناوریانه و نیاز به ارتقای درون بخشی و بین بخشی دست و پنجه نرم می کنند.

اقتصاد ایران، علی رغم برخورداری از منابع غنی، در دهه های اخیر رشد اقتصادی قابل توجهی نداشته است. بخش صنعت بیش از ۳۵ درصد از تولید ناخالص داخلی و نزدیک به ۳۳ درصد از اشتغال را تشکیل می دهد؛ اما کاهش تعداد کارگاه های کوچک و افزایش کارگاه های بزرگ نشان دهنده تغییرات ساختاری در این بخش است. کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، برای رفع عدم تعادل های اقتصادی نیازمند تخصیص بهینه منابع و سرمایه گذاری در بخش های کلیدی هستند. این رویکرد نه تنها نیازهای داخلی را برطرف می کند، بلکه زمینه ساز حضور در بازارهای جهانی نیز خواهد بود. نظریه رشد متوازن هیرشمن نیز بر لزوم تمرکز سرمایه گذاری در بخش های منتخب به دلیل محدودیت منابع تأکید می کند.

تاریخچه سیاست گذاری صنعتی در ایران حاکی از آن است که این سیاست ها عمدتاً متأثر از شرایط مقطعی و گذرا (مانند جنگ، تحریم ها و نوسانات قیمت نفت) بوده و کمتر بر مبنای برنامه های بلند مدت استوار شده اند. وابستگی به درآمد های نفتی، بی انضباطی در سیاست های مالی و ارزی و استمرار

پاسخگویی دولت گردیده و زمینه ساز بروز پدیده هایی چون مشکل نگری (کوتاه مدت نگری)، فساد ساختاری و تسلط گروه های ذی نفوذ بر منابع ملی شده است. تمرکزگرایی در تصمیم گیری، بوروکراسی گسترده و ضعف در هماهنگی بین بخشی، اجرای طرح های صنعتی را با اخلال مواجه کرده است. مجموعه این عوامل به همراه ناتوانی در جذب فناوری های نوین و ضعف نظارت بر پروژه ها، مانع از شکل گیری دولتی توسعه گرا شده اند که بتواند میان منافع رقابتی و عدالت فضایی توازن برقرار کند.

مدل پیشنهادی

در نهایت، این پژوهش مدل توسعه آسیای شرقی را به عنوان الگوی بالقوه برای ایران بررسی نموده و یک ماتریس سیاستی و بسته اقدامات هماهنگ برای سیاست صنعتی ایران پیشنهاد می کند. این اقدامات به منظور خروج از بن بست فعلی در تحولات ساختاری و رشد اقتصادی کشور طراحی شده اند. در این گزارش آمده است: اگرچه الگوی توسعه شرق آسیا با تأکید بر ثبات کلان اقتصادی، سرمایه گذاری در سرمایه انسانی و ادغام در زنجیره ارزش جهانی، برای ایران جذاب است، اما کارسختی و واسطه آن به دلیل تفاوت های ساختاری عمیق (نظیر حکمرانی متمرکز، وابستگی به درآمد های نفتی و انزوای بین المللی) و همچنین دگرگونی قوانین حاکم بر تجارت جهانی با محدودیت های جدی مواجه است. با این حال، درس های کلیدی قابل تسری عبارت اند از:

- اولویت دادن به ثبات اقتصاد کلان (کنترل تورم، نرخ ارز رقابتی)
 - سرمایه گذاری هدفمند در آموزش فنی و مهندسی
 - ادغام در اقتصاد منطقه ای از طریق اصلاح لجستیک و زیرساخت ها
 - اجتناب از گفتمان های افراطی (حمایتگرایی کامل یا آزادسازی بی قید) و حرکت به سمت آزادسازی تدریجی برنامهمحور.
- موفقیت مستلزم عبور از الگوی رانتی، تقویت نهادهای پاسخگو و اتخاذ

راهبردی است که همزمان رقابت پذیری صنعتی، تنوع بخشی اقتصادی و توسعه متوازن فضایی را محقق سازد.

با در نظر گرفتن این ملاحظات، شناسایی موانع تحقق سیاست صنعتی از قبیل ساختار و ظرفیت نهادهای دولت، تعارض منافع ذی نفعان، تداوم رانت های اقتصادی و سیاست های ناکارآمد از اهمیت راهبردی برخوردار است. این عوامل نشان می دهند که توسعه صنعتی در ایران بیش از آنکه یک مسئله فنی و تکنولوژیک باشد، ماهیتی سیاسی و اجتماعی دارد و نیازمند بازنگری در نقش دولت و نهادهای مرتبط است.

در گزارش تأکید شده است هدف این پژوهش ارائه الگوی برای سیاست صنعتی است که با تلفیق مکانیسم های دولتی و بازار، نارسایی های بازار را اصلاح کرده و همخوانی لازم با ویژگی های ساختاری و نهادی ایران را دارا باشد.

براساس این گزارش، سوزی های مدل های توسعه صنعتی موفق باید با توجه به زمینه های تاریخی و محلی انجام شود. مدل سیاست صنعتی ایران باید تولید دانش محلی را با نگاهی انتقادی به جهانی سازی ترکیب کند. رویکردهای جامع تر اقتصادسیاسی و نهادگرایی هنر و دوکس نیز می توانند تحلیل توسعه را فراتر از پیش فرض های محدودکننده هدایت نمایند.

با توجه به شکست های سیاست صنعتی در ایران (شکست سیاست متمرکز، شکست بازار و ناهماهنگی در نوآوری)، مدل حکمرانی چندلایه پیشنهاد می شود که مداخلات سیاستی از بالا به پایین و پایین به بالا را ترکیب می کند. این مدل انعطاف پذیری بیشتری ایجاد نموده و اجرای سیاست ها را بهبود می بخشد؛ اما نیازمند زیرساخت نهادی قوی و هماهنگی بین بازیگران است. همچنین، اثرات ترکیبی سیاست های مختلف (مانند فناوری، آموزش و تدارکات عمومی) باید در یک بسته کلی بررسی شود تا اثر پنهانی آن ها افزایش یابد. ماتریس سیاستی پیشنهادی ابزارهای مختلف را در چهار لایه ساختاری، نهادی، اقتصاد سیاسی و فضایی طبقه بندی می کند تا طراحی و اجرای سیاست ها را بهبود بخشد.